

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه بر نگذرد



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

تحلیل منظومه های غنایی نظامی از دیدگاه نقد اخلاقی

مقطع کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما

دکتر رضا مصطفوی سبزواری

استاد مشاور

دکتر محمد حسن حائری

دانشجو

شیوا پور علی رامهرمزی

شهریور ۱۳۹۲

**فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها**  
**کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی**

|  |  |
|--|--|
| عنوان : تحلیل منظومه های غنایی نظامی از دیدگاه نقد اخلاقی  |  |
| نویسنده / محقق : شیوا پور علی رامهرمزی   |  |
| مترجم :-   |  |
| استاد راهنما : دکتر رضا مصطفوی سبزواری   | استاد مشاور / استاد داور : دکتر محمد حسن حائری / دکتر یحیی طالبیان |
| کتابنامه : دارد  |  |
| واژه نامه :-   |  |
| نوع پایان نامه : بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/> |  |
| مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد  | سال تحصیلی : ۱۳۹۲  |
| محل تحصیل : تهران نام دانشگاه : علامه طباطبائی دانشکده : زبان و ادبیات فارسی   |  |
| تعداد صفحات : ۱۵۶  | گروه آموزشی : زبان و ادبیات فارسی                                  |
| کلید واژه ها به زبان فارسی : نقد اخلاقی-جامعه-آرمانشهر-رنذیلت های اخلاقی-فضیلت های اخلاقی                                      |  |
| کلید واژه ها به زبان انگلیسی : Ethical Criticism-Society-Utopia-Vices-Virtues  |  |

## چکیده

**الف . موضوع و طرح مسئله ( اهمیت موضوع و هدف ) :** اهمیت و ضرورت نقد اخلاقی در جامعه ، به ویژه جامعه امروزی غیر قابل انکار است . در این میان حوزه ادبیات به دلیل برخورداری از ابزارهای قوی علم بیان ، معانی ، بدیع و قوه تخیل و داستان پردازی ، کارآمدترین شیوه برای بیان و القای مفاهیم اخلاقی است .

آثار ادبی به ویژه آثار شاعر بزرگی چون نظامی گنجه ای که به مسائل سیاسی و اجتماعی عصر خود ، آگاه بوده و اشعارش برشی از اوضاع و احوال جوامع و روزگاران پیشین و همچنین دوره خود است ، مجالی برای تحلیل این اشعار از دیدگاه نقد اخلاقی است .

با بررسی شعر نظامی می توانیم از انحرافات و اوضاع و احوال اجتماعی دوره های مختلف بشری آگاهی پیدا کنیم و دریابیم که موازین اخلاقی در آن روزگار تا چه حد رعایت می شده است . شاعر از انحطاط های اخلاقی و فرهنگی عصر پرده بر می دارد ، ردیلت ها و فضیلت ها را در کنار هم به تصویر می کشد ، و به ستایش یکی و نکوهش دیگری می پردازد ؛ اما آن چه در این میان اهمیت دارد آشنایی با نوع جهان بینی و اندیشه نظامی است که در خلال سخنانش آغاز می شود .

به طور کلی هدف از نقد اخلاقی هر اثر ، آگاهی از شرایط اجتماعی و اخلاقی حاکم بر عصر مؤلف و آشنایی با جهان بینی ، طرز تفکر و دیدگاه های اخلاقی و اجتماعی خود مؤلف است که جز با مطالعه آثار او قابل دریافت نیستند .

**ب . مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع ، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها :** در این تحقیق برای بیان مبانی نظری و تئوری های اخلاقی و نقد اخلاقی از چند منبع دسته اول و یک مقاله استفاده شده و برای تحلیل اخلاقی ، سه منظومه غنایی نظامی ( خسرو و شیرین ، لیلی و مجنون و هفت پیکر ) برگزیده شده اند . برخی نظریه پردازان علم اخلاق معتقد به نسبی بودن اخلاق و گروهی دیگر معتقد به کلی و مطلق بودن این مفهوم هستند . برخی به ادبیات تنها به عنوان ابزاری برای بیان مفاهیم اخلاقی و ترویج اخلاق می نگرند و گروهی دیگر به جنبه هنری ، زیبایی شناختی و لذت آفرینی ادبیات بیشتر اهمیت میدهند . در این تحقیق درباره این نظریه ها بحث شده و دیدگاه های اخلاقی ادیبان شرق و غرب بیان شده است .

**پ . روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم ، روش تحقیق ، جامعه مورد تحقیق ، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری ، ابزار اندازه گیری ، نحوه اجرای آن ، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها :** اولین کار در آغاز تحقیق ، تعریف مفاهیم است . در پیش گفتار ، مفاهیمی چون تحلیل ، ادب غنایی ، نقد ، اخلاق و نقد اخلاقی تعریف شده اند .

شیوه کلی کار در این تحقیق ، تحلیل محتوا است . پس از تعریف مفاهیم ، اطلاعاتی درباره نقد اخلاقی و نظریات مختلف ادیبان اخلاق گرا و منتقدان اخلاق مدار جمع آوری شد . پس از بیان برخی نظریه ها و ایرادات وارد بر آن ها ، در مرحله بعد با استفاده از سه منبع اصلی یعنی خسرو و شیرین ، لیلی و مجنون و هفت پیکر ، به خلاصه کردن این داستان ها و بیان نکات اخلاقی نهفته در آن ها پرداختم . به این صورت که موارد اخلاقی موجود در منظومه ها را عنوان بندی کردم و بعد ، ابیات شاهد مثال در ذیل مورد اخلاقی مربوطه را ذکر کردم . پس از این مرحله ، از تئوری های نقد اخلاقی به صورت کاربردی در تحلیل کلی

اشعار استفاده کردم و در نهایت با توجه به شواهد موجود به نتیجه گیری پرداختم .

**ت . یافته های تحقیق :** اگر نظامی در شعر خود ، سخنی آورده که از نظر نقد اخلاقی خلاف عرف است ، این به معنای تقابل شعر وی با موازین اخلاقی نیست ، بلکه نشانگر نسبی بودن اخلاق است و این مسئله را می توان با چهار دلیل اثبات کرد :

۱ . نظامی شاعر متعهد و معترض عصر خود است و از این نظر به حافظ شباهت دارد ؛ انحطاط های اخلاقی و مسائل حاکم بر جامعه را بیان می کند و هدفش مورد اعتراض و انتقاد قرار دادن این مسائل است ، نه ترویج و دامنه دار کردن این رذیلت ها . ادبیات متعهد ، باید ضمن لذت آفرینی برای مخاطب ، بازتاب اوضاع اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی عصر باشد ، در غیر این صورت اطلاق واژه متعهد بر آن بیهوده است .

۲ . دامنه بررسی مسائل اخلاقی در این تحقیق ، منظومه های غنایی نظامی است . در منظومه های غنایی نیز پررنگ ترین مسئله ، شور ، عاطفه و عشق است و وقتی مسائلی از این دست وارد شعر می شود با مصداق جمله " چنان که افتد و دانی " از شیخ اجل ، سعدی مواجه می شویم . پس ناقدان اخلاقی ناگزیر از دیدی اغماض گرایانه به منظومه های غنایی اند .

۳ . آن چه در نقد اخلاقی اهمیت دارد ، توجه به گروه سنی مخاطب اثر مورد نظر است . یکی از شیوه های مورد اعتراض و انتقاد قرار دادن مسائل ضد اخلاقی ، صرف بیان آن ها است ؛ یعنی شاعر به عللی چون بسته بودن فضای جامعه ، خفقان حاکم بر آن و عدم آزادی بیان ، به صورت پوشیده به نکوهش آن ها می پردازد . در این میان مخاطب باید به این درک رسیده باشد که شاعر یا نویسنده از بیان این مسائل چه اهدافی را دنبال می کرده است . مخاطب نظامی ، مخاطبی است از طبقه آگاه و روشنفکر جامعه که با اندکی تأمل در می یابد که انگیزه شاعر از بیان اوضاع نا به سامان حاکم بر جامعه عصر چه بوده است .

۴ . نکته آخر این که شاعر با به تصویر کشیدن مسائل ضد اخلاق اجتماع ، در پی هشدار ، آگاهی ، تعلیم و تربیت مخاطب است و این شیوه خاص نظامی است که برای عبرت آموزی و تعلیم مخاطب به بیان رذیلت ها و لغزش ها پردازد و مخاطب را به اندیشه وا دارد تا خود دست به گزینش بزند .

نظریه ای که در این تحقیق مورد بحث قرار می گیرد ، این نظریه اخلاق گرایان است که ادبیات باید یک سره در خدمت اخلاق باشد و اخلاق مدار بودن یک اثر ، تنها معیار ارزش گذاری برای آن اثر است . اما اگر اخلاق گرایی ، تنها ملاک ارزش مندی برای اثر باشد و ارزش های هنری و زیبایی شناختی آثار - به ویژه شعر - نادیده گرفته شوند ، دیگر برای شعر ، شعریتی باقی نمی ماند و تبدیل به شیوه نامه ای اخلاقی می شود و برای مخاطب هیچ خوشایندی و جذابیتی باقی نمی گذارد .

نکته قابل توجه دیگر ، هنر نظامی در استفاده از ظرفیت های فراوان زبان و ادبیات فارسی است . در بیان مسائل اخلاقی ، استفاده از زبان تمثیل و داستان پردازی از مؤثرترین شیوه های تأثیر بر مخاطب است . شاعر گنجه نه از جنبه خوشایندی و لذت آفرینی اثر غافل می شود و نه از جنبه آموزندگی و تعلیمی آن ؛ و مسائل اخلاقی مورد نظر را چنان با بیان

قوی و تمثیل ها و داستان های گوناگون درآمیخته که آثارش با گذشت قرن ها هنوز زنده و پرمخاطب مانده اند . در غیر این صورت سرنوشتی همچون نمایشنامه های اخلاقی رایج در اروپای غربی در قرون وسطی و اوایل رنسانس پیدا می کردند که با بی اعتنائی به جنبه های ادبی ، صرفاً سراسر موعظه های اخلاقی بودند .

مهم ترین و پرتکرارترین مسئله ای که نظامی در شعرش به آن اشاره کرده ، ظلم و جور حاکم بر روزگار است . شاعر بارها حکام روزگار را به عدل و داد می خواند و آن را سنگ بنای اولیة آرمانشهری می داند که در خلال داستان هایش پیوسته در جستجوی آن است اما انواع رذیلت ها و فجایع انسانی را مانع نیل به آن می بیند . نظامی دستیابی به این آرمانشهر را تنها در گرو تربیت و رشد اخلاقی انسان ها می داند .

**ث . نتیجه گیری و پیشنهادات :** شعر نظامی ، اعتراض آشکار او به نابرابری هایی است که انسان معاصر را آماج خود قرار داده و شورش است علیه ابتذال و فساد حاکم بر دستگاه های حکومت . شعر نظامی ، اعتراضی است به ناامنی و بی عدالتی جامعه ای که فرسنگ ها با مدینه فاضله او فاصله گرفته است . پس شاعر گنجه ناگزیر با ورود به عالم شعر ، آرمانشهر خود را در روزگار پادشاهی شیرین می جوید و در دوران سلطنت بهرام گور ؛ آن گاه که بنیان جامعه و حکومت بر عدل استوار بود و خائن و ظالم به سزای عمل خود می رسیدند ؛ و افسوس خود را بر عدالت دوره های پیشین و ظلم و جور حاکم بر عصر ، در دو بیت بیان می کند :

کز زمین سر بر آسمان سودند

" رهروان آنکه آنچنان بودند

همه دیوان آدمی لقبند".

این گروه ار چه آدمی نسبند

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم .

نام استاد راهنما : دکتر رضا مصطفوی سبزواری

سمت علمی : استاد

نام دانشکده : زبان و ادبیات فارسی

رئیس کتابخانه : عبدالعلی جهانشاهی

## چکیده

نقد اخلاقی یکی از گرایش‌های متعدد نقد است که پیشینه آن به یونان باستان و دوران سقراط، افلاطون و ارسطو بازمی‌گردد و صاحب‌نظرانی چون سن مارک ژیراردن، استفن گاسون، سرتامس ویلسون و... در غرب و اندیشمندی چون فارابی، ابن سینا، ابن رشد و... در مشرق زمین، بر ضرورت اخلاق و وجود مفاهیم اخلاقی در کنه آثار ادبی تأکید می‌کردند. نظامی، بزرگترین شاعر غنایی‌سرای ایران که همواره آزرده از شرایط حاکم بر روزگار و در پی یافتن آرمانشهری به دور از زشت‌خویی‌های مردم زمانه بود، از بزرگترین منتقدان اخلاقی ادب پارسی است. آثار نظامی بازتاب نابسامانی‌ها و فسادهای عصر و صحنه ستایش نیک‌ها و نیک‌خویی‌هاست و بیانش حتی هنگام وصف زشت‌خویی‌ها و کامگاری‌ها لحنی آمیخته با شرم دارد که نتیجه ظرافت طبع و استفاده از کنایات و استعارات لطیف است. در روزگاری که انسان‌ها همچون شاعر بزرگ گنجه ضرورت دستیابی به آرمانشهری فارغ از بی‌عدالتی، حرص، طمع، بخل و ریا را با تمام وجود احساس می‌کند، نقد اخلاقی از ضروری‌ترین شاخه‌های نقد محسوب می‌شود. در این تحقیق پس از ذکر آراء و نظریات ادیبان درباره اخلاق، گرایش نقد اخلاقی و اندیشه‌های نظامی، با استفاده از شیوه تحلیل محتوا به بررسی نکات اخلاقی نهفته در سه منظومه غنایی نظامی (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر) پرداخته می‌شود.

کلیدواژه: نقد اخلاقی – جامعه – آرمانشهر – رذیلت‌های اخلاقی – فضیلت‌های اخلاقی

| عنوان   | صفحه  |
|---|-------|
| چکیده و کلید واژه.....  | ۵     |
| (۱)مقدمه.....   | ۱۰-۱  |
| (۱-۱)تعریف مفاهیم.....  | ۲-۱   |
| (۱-۱-۱)تحلیل.....   | ۱     |
| (۲-۱-۱)ادب غنایی.....   | ۱     |
| (۳-۱-۱)نقد.....   | ۲-۱   |
| (۴-۱-۱)اخلاق.....   | ۲     |
| (۵-۱-۱)نقد اخلاقی.....  | ۲     |
| (۲-۱)فلسفه اخلاق.....   | ۲     |
| (۳-۱)ملاک و معیار اخلاق.....  | ۳     |
| (۴-۱)نسبی بودن مفهوم اخلاق.....   | ۴-۳   |
| (۵-۱)اخلاق از نظر حکمای ایرانی.....   | ۵-۴   |
| (۶-۱)ادبیات ، ابزار بیان مفاهیم اخلاقی.....   | ۵     |
| (۷-۱)غفلت از جنبه زیبایی شناختی و لذت آفرینی آثار ادبی.....                             | ۷-۵   |
| (۸-۱)اخلاق در ادبیات ایران.....   | ۹-۷   |
| (۹-۱)مدینه فاضله نظامی.....   | ۱۰-۹  |
| (۲)خسرو و شیرین.....  | ۶۸-۱۱ |
| (۱-۲)خلاصه داستان خسرو و شیرین.....   | ۱۴-۱۱ |
| (۲-۲)بیان نکات اخلاقی در منظومه خسرو و شیرین.....                                       | ۶۸-۱۵ |
| (۱-۲-۲)در ستایش دادگری و نکوهش ستم، بی عدالتی و تعدی به حقوق دیگران.....                | ۲۰-۱۵ |
| (۲-۲-۲)در ستایش بخشندگی و سخاوت.....  | ۲۰    |
| (۳-۲-۲)در نکوهش تجسس ، سخن چینی و دو به هم زنی.....                                     | ۲۱-۲۰ |
| (۴-۲-۲)اهمیت وفاداری و نیک عهدی یاران و پرهیز از پیمان شکنی و عدم یاری هنگام مصائب..... | ۲۲-۲۱ |



- ۲۵-۲۲.....در ستایش وفاداری عشاق و پرهیز از بی وفایی و تلون طبع و عدم تعهد.....
- ۲۸-۲۵.....در ستایش راستی و صداقت و نکوهش دروغ و ناراستی و فریب دادن دیگران.....
- ۴۲-۲۸.....در ستایش حیا ، پاکدامنی ، وجدان اخلاق گرا و پرهیز از هوا و هوس و انحطاط اخلاقی.....
- ۴۲.....نکوهش دسیسه چینان و توطئه گران.....
- ۴۴-۴۳.....ستایش رسم نیکوی میهمان نوازی.....
- ۴۴.....نکوهش ریا و ریاکاران.....
- ۴۵-۴۴.....نکوهش حسد و حسودان.....
- ۵۰-۴۵.....دعوت به ساده زیستی و قناعت و پرهیز از حرص، لذتهای ناپایدار دنیا و فریفته شدن به آن.....
- ۵۰.....اعتراض به قساوت ها و مجازات های سنگین و غیر انسانی مجرمان.....
- ۵۲-۲۲.....دعوت مخاطب به مدارا با دیگران و عیب پوشی آن ها و پرهیز از عیبجویی و غیبت کردن.....
- ۵۲.....پرهیز از تهمت و افترا زدن به دیگران و بدنام کردن انسان ها.....
- ۵۴-۵۲.....پرهیز از غرور و خودپسندی و سفارش به فروتنی.....
- ۵۵-۵۴.....در ستایش صبر و شکیبایی و سازگاری با مصائب.....
- ۵۵.....خودداری از پیش داوری و قضاوت بر اساس ظاهر.....
- ۵۷-۵۶.....در تأثیر تربیت.....
- ۵۸-۵۷.....در ستایش احترام انسان ها به یکدیگر و نکوهش از خوار و سرافکننده کردن دیگران.....
- ۵۸.....در نکوهش خودخواهی و منفعت طلبی.....
- ۵۸.....در ستایش قدرشناسی.....
- ۵۹-۵۸.....در ستایش ارزش قائل شدن برای عشق.....
- ۵۹.....در ستایش خوش خویی و نیک اخلاقی.....
- ۶۰-۵۹.....در اهمیت رازداری و رازپوشی.....
- ۶۱-۶۰.....نکوهش از آزرده کردن دیگران.....
- ۶۲-۶۱.....عفت بیان و کلام نظامی.....
- ۶۲.....دعوت به خودشناسی و خداشناسی.....
- ۶۸-۶۲.....بیان چهل نکته اخلاقی از کلیله و دمنه از زبان بزرگ امید.....
- ۹۲-۶۹.....(۳) لیلی و مجنون.....
- ۷۲-۶۹.....(۱-۳) خلاصه داستان لیلی و مجنون.....
- ۹۲-۷۳.....(۲-۳) بیان نکات اخلاقی در منظومه لیلی و مجنون.....

- ۲-۳-۱) دعوت مخاطب به تکیه بر لطف پروردگار و توانایی های خود و نکوهش از منت دونان کشیدن... ۷۳
- ۲-۳-۲) پرهیز از ناراستی و نادرستی..... ۷۴-۷۳
- ۲-۳-۳) پرهیز از هوا و هوس و لذت های ناپایدار..... ۷۴
- ۲-۳-۴) سفارش به آبرومندی و نیکنامی..... ۷۵-۷۴
- ۲-۳-۵) در ستایش جود و بخشش..... ۷۶-۷۵
- ۲-۳-۶) نکوهش حسد و حاسدان..... ۷۶
- ۲-۳-۷) نکوهش از دروغ گویی ، نفاق ، ریاکاری و فریب دیگران..... ۷۷-۷۶
- ۲-۳-۸) پرهیز از آزدن دیگران و توصیه به خوش خلقی با خلق..... ۷۷
- ۲-۳-۹) توصیه به اغتنام فرصت ها برای گرایش به فضایل و پرهیز از غفلت..... ۷۸
- ۲-۳-۱۰) رعایت ادب و احترام..... ۷۸
- ۲-۳-۱۱) دعوت به خودشناسی و خداشناسی..... ۷۸
- ۲-۳-۱۲) در رعایت آداب سخن گویی..... ۷۸
- ۲-۳-۱۳) دعوت به گرایش به قناعت و پرهیز از طمع ، زیاده خواهی و تعدی به حق دیگران..... ۸۰-۷۹
- ۲-۳-۱۴) سفارش به یاری رساندن به هم نوع و ابراز همدردی در مصائب..... ۸۱-۸۰
- ۲-۳-۱۵) پرهیز از کبر و غرور و دعوت به تواضع..... ۸۱
- ۲-۳-۱۶) در ستایش رسم نیک میهمان نوازی..... ۸۲-۸۱
- ۲-۳-۱۷) اهمیت شرم و پاکدامنی و حفظ نام و ننگ در وادی عشق..... ۸۳-۸۲
- ۲-۳-۱۸) اعتراض به بدعت های ناپسند ، ستم و خشونت نسبت به خلق..... ۸۴-۸۳
- ۲-۳-۱۹) نکوهش از تجسس ، بدگویی و سخن چینی..... ۸۴
- ۲-۳-۲۰) اهمیت سخت کوشی و عدم تسلیم در برابر ناکامی..... ۸۵-۸۴
- ۲-۳-۲۱) در ستایش وفاداری عشاق..... ۸۵
- ۲-۳-۲۲) ارزش احترام به انسان ها به ویژه والدین و پرهیز از بی احترامی و بی توجهی به آن ها..... ۸۶-۸۵
- ۲-۳-۲۳) دعوت به شکیبایی..... ۸۷-۸۶
- ۲-۳-۲۴) در ستایش شجاعت..... ۸۷
- ۲-۳-۲۵) ضرورت وفاداری و نیک عهدی نسبت به یاران و نکوهش از پیمان شکنی..... ۸۸-۸۷
- ۲-۳-۲۶) پرهیز از تهمت و بدگویی..... ۸۹-۸۸
- ۲-۳-۲۷) مذمت بدبینی نسبت به زنان..... ۸۹
- ۲-۳-۲۸) در ستایش نرمخویی با جانوران و رعایت حقوق آن ها..... ۹۰-۸۹

- ۹۱-۹۰.....(۲۹-۲-۳)اهمیت اعتراف به خطا و اشتباه خود و پذیرش مجازات آن.
- ۹۱.....(۳۰-۲-۳)ارزش مندی مدارا و سازش با دیگران.
- ۹۱.....(۳۱-۲-۳)توصیه به نیک کرداری و پرهیز از اعمال ناشایست.
- ۹۱.....(۳۲-۲-۳)ستایش امانت داری.
- ۹۲-۹۱.....(۳۳-۲-۳)در رعایت اخلاق پادشاهی.
- ۱۳۴-۹۳.....(۴)هفت پیکر
- ۹۷-۹۳.....(۱-۴)خلاصه داستان هفت پیکر.
- ۱۳۴-۹۸.....(۲-۴)بیان نکات اخلاقی در منظومه هفت پیکر.
- ۹۸.....(۱-۲-۴)توصیه به اتکا و اعتماد به خود و لطف الهی و عدم تسلیم در برابر فرومایگان.
- ۱۰۳-۹۸.....(۲-۲-۴)سفارش به قناعت و ترک تعلقات و پرهیز از فریفتگی به دنیا، حرص، طمع و حسادت.
- ۱۰۵-۱۰۳.....(۳-۲-۴)توصیه به لطف و خوشحویی در برابر انسانها و پیش گرفتن رفتار مناسب مقابل بدذاتان.
- ۱۰۸-۱۰۵.....(۴-۲-۴)در ستایش امانت داری، راستی، وفاداری و اتحاد و نکوهش پیمان شکنی و خیانت.
- ۱۰۹.....(۵-۲-۴)توصیه به خدمت و یاری رساندن به خلق.
- ۱۱۰-۱۰۹.....(۶-۲-۴)دعوت بزحمت و تلاش مستمر برای رسیدن به هدف و خودداری از تنبلی و تن پروری.
- ۱۱۰.....(۷-۲-۴)در رعایت اخلاق و آداب شاعری.
- ۱۱۲-۱۱۱.....(۸-۲-۴)سفارش به سخاوت و بخشش.
- ۱۱۴-۱۱۲.....(۹-۲-۴)در مذمت چاپلوسی، دروغ و فریب کاری و ستایش راستی و صدق.
- ۱۱۴.....(۱۰-۲-۴)در ستایش بلندمرتبیگی و احترام و بزرگی بخشیدن به دیگران.
- ۱۲۰-۱۱۴.....(۱۱-۲-۴)سفارش به عدل و داد و خودداری از قساوت، ظلم و ستم به دیگران و بدعتهای زشت.
- ۱۲۱.....(۱۲-۲-۴)ستایش پاک سرشتی انسانها.
- ۱۲۱.....(۱۳-۲-۴)ستایش شجاعت و نکوهش بزدلان زمانه.
- ۱۲۲-۱۲۱.....(۱۴-۲-۴)توصیه به صبر و شکیبایی و کظم غیظ.
- ۱۲۲.....(۱۵-۲-۴)ترغیب مخاطب به دانش اندوزی.
- ۱۲۳-۱۲۲.....(۱۶-۲-۴)ستایش حسن ظن و نکوهش بداندیشی و سوء ظن.
- ۱۲۴-۱۲۳.....(۱۷-۲-۴)خودداری از کبر و غرور بی جا و گرایش به فروتنی و تواضع.
- ۱۲۵.....(۱۸-۲-۴)نکوهش نفاق، دورویی و ریاکاری مدعیان.
- ۱۲۶-۱۲۵.....(۱۹-۲-۴)دعوت به نیکنامی و همنشینی با نیکان.
- ۱۲۶.....(۲۰-۲-۴)توصیه به نرمخویی نسبت به جانوران و رعایت حقوق آنان.

|         |       |        |  |
|---------|-------|--------|--|
| ۱۲۷-۱۲۶ | ..... | ۲-۴-۲۱ | پرهیز از شهوت رانی و تنوع طلبی   |
| ۱۲۸-۱۲۷ | ..... | ۲-۴-۲۲ | در ذم تهمت و بدگویی درباره دیگران و ستایش نیک گفتاری                       |
| ۱۲۹-۱۲۸ | ..... | ۲-۴-۲۳ | در رعایت اخلاق پادشاهی و پرهیز از غفلت از امور ملک                         |
| ۱۲۹     | ..... | ۲-۴-۲۴ | در ستایش نیک خواهی و نیک کرداری  |
| ۱۲۹     | ..... | ۲-۴-۲۵ | در رعایت آداب و سنن ازدواج   |
| ۱۳۰-۱۲۹ | ..... | ۲-۴-۲۶ | در ستایش رسم نیک میهمان نوازی  |
| ۱۳۲-۱۳۰ | ..... | ۲-۴-۲۷ | در ستایش پرهیزگاری و پاکدامنی  |
| ۱۳۳-۱۳۲ | ..... | ۲-۴-۲۸ | عفت بیان و کلام نظامی  |
| ۱۳۳     | ..... | ۲-۴-۲۹ | در ارزش مندی اعتراف به خطاها و اشتباهات خود                                |
| ۱۳۳     | ..... | ۲-۴-۳۰ | در نکوهش بی وفایی عشاق   |
| ۱۳۴-۱۳۳ | ..... | ۲-۴-۳۱ | در ستایش حق شناسی  |
| ۱۳۴     | ..... | ۲-۴-۳۲ | در ستایش جلب رضایت خلق و خداوند  |
| ۱۳۷-۱۳۵ | ..... | ۵      | تحلیل منظومه‌ها از دیدگاه نقد اخلاقی                                       |
| ۱۴۱-۱۳۸ | ..... | ۶      | نتیجه‌گیری   |
| ۱۴۰-۱۳۸ | ..... | ۶-۱    | انعکاس اوضاع و احوال جامعه در آثار نظامی                                   |
| ۱۴۰     | ..... | ۶-۲    | نسبی بودن اخلاق  |
| ۱۴۱-۱۴۰ | ..... | ۶-۳    | مطابقت موازین اخلاقی در آثار نظامی با موازین اخلاقی حاکم بر عصر... ۱۴۰-۱۴۱ |
| ۱۴۱     | ..... | ۶-۴    | توجه به هر دو جنبه ادبیات  |
| ۱۴۲     | ..... |        | کتابنامه   |

## مقدمه

## تعریف مفاهیم

### تحلیل

در حوزه ادبیات ، تحلیل به معنای گشودن ، تفکیک کردن و بررسی جزء به جزء یک متن برای رسیدن به یک نتیجه مشخص است . در این تحقیق ، مفاهیم اخلاقی در آثار غنایی نظامی به صورت جزء به جزء بررسی شده تا علاوه بر آگاهی از اوضاع و احوال اجتماعی آن عصر ، با اندیشه های نظامی نیز در خلال آثار خودش آشنا شویم .

### ادب غنایی

ادب غنایی در اصل اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح کند . این گونه اشعار - که کوتاه بود - در یونان باستان با همراهی بریط (در یونانی Lura و در انگلیسی Lyre) خوانده می شد ؛ و از این رو در زبان های فرنگی به اشعار غنایی ، لیریک Lyric می گویند ... اصولاً در اکثر نقاط جهان اشعار عاطفی و عاشقانه و سوزناک با موسیقی همراه بوده است . در اروپا تروبادورها و در ایران عاشوق ها یا عاشیق ها و خنیاگران ، روستاییان و شبانان ، حافظ این سنت بوده اند . لیریک را در عصر ما ، شاید به تبع عرب ها که به شعر عاشقانه و عاطفی "الشعر الغنائی" می گویند ، به غنایی ترجمه کرده اند و به دو معنی اشعار عاشقانه و بزمی به کار می برند . به هر حال معادل قدیم آن غزل است . باید توجه داشت که مراد از اشعار لیریک در ادبیات اروپایی ، شعری است کوتاه و غیر روایی که گوینده در آن فقط احساسات خود را بیان کند و از این رو مرثیه را هم باید جزو ادب غنایی دانست ، و اگر شعر ، بلند و روایی باشد مثل خسرو و شیرین ، به آن Dramatic Lyric یعنی شعر غنایی نمایشی یا داستانی می گویند . (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۲۸)

### نقد

نقد در لغت به معنی : "سره کردن درم" یا "جدا کردن دینار و درهم سره از ناسره" و : "تمیز دادن خوب از بد" و "خرده گیری" و : "آشکار کردن محاسن و معایب سخن" یا : "تشخیص معایب و محاسن یک اثر ادبی و هنری" است ... اگر نقد به مفهوم وسیع کلمه ، یا ارزش سنجی یک اثر از لحاظ جنبه های مثبت و منفی آن و تمیز نیک و بد ، عالی و دانی ، قوت و ضعف و بلندی و کاستی که در شیوه بیان و طرز استدلال و نوع اندیشه و میزان

آگاهی‌های نویسنده یا مؤلف یک اثر وجود دارد، مورد توجه باشد، در این صورت، مفهوم "نقد" و "نقادی" را به کلیه آثار علمی، فلسفی، تاریخی، مذهبی، اخلاقی و ادبی و غیره می‌توان تعمیم داد. (رزمجو، ۱۳۷۰: ۵۵)

## اخلاق

یکی از عناصر عمده تمدن، اخلاق است. اخلاق قانونی است که در روح رسوخ می‌یابد و افراد را به شناختن حق و باطل و نیک و بد و مهار کردن امیال خود می‌کشاند. از این رو، جامعه بدون اخلاق متلاشی و شکار دولتی منسجم می‌شود. اما اخلاق تأملی است درباره حقیقت، جمال و فضیلت، عدالت، انسان کامل و دولت بی‌منقصت. (تقی زاده، ۱۳۸۰: ۲۸۱)

تعریف اخلاق این است که چگونه باید زیست یا چگونه باید رفتار کرد که زندگی و رفتار ما با ارزش و مقدس و متعالی باشد. بدین سبب اخلاق را وقتی دقیقاً اخلاق می‌دانند که کلی و عام و مطلق و جاوید و دارای قداست و متعالی باشد نه اینکه جزئی و فردی و نسبی و موقت و از امور عادی و مبتذل. (همان: ۵)

علم اخلاق علمی است که از صفات و رفتار اختیاری انسان بحث می‌کند و او را با فضایل و رذایل اخلاقی آشنا می‌سازد تا بتواند صفات فاضله را کسب کرده، از رذایل بپرهیزد و بدین وسیله سعادت خود را تکمیل نماید و کارهایی از او سرزند که موجب ستایش اجتماع گردد. (همان: ۲-۳)

## نقد اخلاقی

از میان انواع رایج نقد در روزگار ما، نقد اخلاقی دارای سابقه کهن‌تری است. "افلاطون" در جمهوریت به تأثیر اخلاقی شعر توجه داشته و "ارسطو" مسئله تزکیه را با عبرت‌پذیری از سرنوشت قهرمانان در تراژدی مطرح می‌کند و "هوراس" برای فایده بخش بودن شعر در کنار ارزش‌های هنری و زیبایی شناختی آن، بر جنبه اخلاقی تکیه دارد. این توجه به زمینه‌های اخلاقی، بعدها در دوره رنسانس هم ادامه داشت. منتقدان بعد از رنسانس و ادوار متأخر نظیر "ساموئل جانسن" و "ماتیو آرنولد" نیز برای اخلاق، منزلت بسیار قائل شده‌اند. در قرن نوزدهم و بیستم میلادی، آتکاء بر زمینه‌های اخلاقی همچنان در بعضی از مکتب‌ها و دیدگاه‌های ادبی ادامه و استمرار پیدا کرد؛ ولی توجه به ارزش‌های عاطفی، ادبی و زیبایی شناختی جایگاه برتری یافت. (امامی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

## فلسفه اخلاق

انسان برای داشتن شخصیتی متعادل، شکوفایی استعدادها و رسیدن به سعادت، نیازمند پرورش و تربیت روح و نفس خود در سایه تعالیم اخلاقی است. او از طریق علم اخلاق می‌تواند با فضایل و نیکی‌ها آشنا شود و از این طریق به تهذیب نفس و اخلاق خود بپردازد و در نتیجه به رشد، تعالی و کمال حقیقی خود دست یابد. در اینجا است که ضرورت و اهمیت علم اخلاق آشکار می‌شود.

## ملاک و معیار اخلاق

ملاک اخلاق، مفهوم "خوب" و "بد" است که از بایدها و نبایدها حاصل می‌شود، و بایدها و نبایدها اموری اعتباری اند یعنی مربوط به ارزش‌های انسانی‌اند که در همه انسان‌ها یکسان نیست. بنا بر این بایدها و نبایدها، خوبی‌ها و بدی‌ها اموری نسبی و ذهنی و شخصی‌اند نه کلی و مطلق و عینی. با این حال باید در نظر داشته باشیم که این ارزش‌های اخلاقی نزد انسان‌ها، معیار خوبی‌ها و بدی‌های کلی و عام است. راستی و عدالت و دیگر ارزش‌های اخلاقی، هدف طبیعت از نظر کمال و سعادت نوع بشر است. پس ضمن این که لازم نیست اخلاق را مفهومی عینی بدانیم، می‌بینیم که در اخلاق معیاری کلی وجود دارد؛ به این معنی که علاوه بر خوبی‌ها و بدی‌های جزئی و فردی و موقت که محدود به وجدان‌های فردی است، یک سلسله خوبی‌ها و بدی‌ها هست که همه افراد در آن مشترکند مانند این که راستی ذاتاً خوب است، دروغ بد است؛ عدالت نیکو و زیباست و ظلم بد و زشت است.

## نسبی بودن مفهوم اخلاق

آنچه سازنده معیارهای اخلاقی در میان جوامع انسانی است، صرف نظر از جنبه‌های فطری و وجدانی، ریشه در شرایط جسمی، روانی، نژادی، زمینه‌های مذهبی و باورداشتی، ملیت و شرایط اجتماعی دارد. بعضی از این شرایط، الگوهای ثابت و برخی دیگر الگوهای کاملاً متغیر را در ذهن ما شکل می‌دهند و بدیهی است که هر گونه قضاوتی بر اساس الگوهای متغیر، کاملاً نسبی خواهد بود و بنا بر این، نقد اخلاقی نیز همواره در گرو نسبییت هاست و منتقدی که به نقد اخلاقی می‌پردازد، نمی‌تواند از این نسبییت‌ها غافل باشد؛ زیرا برای مثال اثری مانند ویس و رامین از "فخر الدین اسعد گرگانی" می‌تواند در قضاوت اخلاقی "عبید زاکانی"، منظومه‌ای گمراه‌کننده محسوب شود، در حالی که ابیاتی از همین منظومه سال‌ها نمونه‌هایی از متون درسی را تشکیل داده است. نظیر چنین قضاوت‌هایی در ادبیات و هنر مغرب زمین هم بسیار است. در دوران تفتیش عقاید در انگلستان، آثار "شکسپیر" ممنوع اعلام شد، همچنان که یکی از پاپ‌ها نیز اجباراً نقاشی‌های "میکل آنژ" در نمازخانه سستن Sistine را از نظرها پوشیده و مستور نگاه می‌داشت.

اکنون این نتیجه را می‌توان حاصل کرد که شاید منتقدان اخلاقی ناچار باشند برای مصون ماندن از برخی قضاوت‌های متزلزل و ناپایدار، دایره تأملات و ملاحظات اخلاقی خود را اندکی وسیع‌تر سازند، زیرا اگر نویسنده‌ای در اثر خود کوشیده باشد تا شرایط اقتصادی و اجتماعی یا سیاسی یک دوره‌ای را به صورتی عریان و واقعی توصیف کند و از آن نتیجه‌ای سازنده بگیرد، دیگر بی‌انصافی خواهد بود که مورد انکار و ملامت منتقدان اخلاق‌گرا قرار گیرد.

منتقد همچنین نمی‌تواند در ارزیابی‌های اخلاقی، شاخص‌های محدود و موردی را مبنا قرار دهد. برای مثال، مناسب نبودن اثری ادبی برای خردسالان نمی‌تواند به معنای غیر اخلاقی بودن آن اثر تلقی شود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که سوءظن‌های اخلاقی ما غالباً شامل آثار معاصر است و متون کلاسیک را در بر نمی‌گیرد، در حالی که اگر بنا باشد که آثار کلاسیک را نیز با دقت نگرایی اخلاقی معاینه و بررسی کنیم، نکته‌های بسیاری برای انگشت نهادن منتقدان اخلاق‌گرا وجود خواهد داشت؛ ولی می‌دانیم که داوری و قضاوت نسل‌های مختلف بشری با نگرش‌های وسیع و ملاحظات باز فرهنگی و هنری و ادبی، چنین آثاری را از غربال ابهام‌های اخلاقی گذرانده است. (امامی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۲۱)

در منظومه‌های غنایی - که مورد تحلیل اخلاقی در این تحقیق قرار می‌گیرد - به علت اشتغال بر عواطف و احساسات شخصی، گاه با مواردی روبرو می‌شویم که از نظر اخلاق‌مداران نوعی هنجارشکنی است. اما مضامینی چون عشق، عاطفه و خواهش‌های طبیعی انسانی در قالب‌هایی چون غزل و شعر غنایی جای می‌گیرد و هیچ غزل عاشقانه و شعر غنایی نمایشی یا داستانی را نمی‌یابیم که از این مفاهیم خالی باشد. پس لازم است با نوعی تساهل و تسامح به این نوع اشعار نگریست و آن‌ها را از لحاظ بلاغت و زیبایی‌های ادبی مورد بررسی قرار داد.

کار منتقد اخلاقی هنگامی که از میان انواع ادبی به قلمرو شعر کشیده می‌شود، از حساسیت بیش‌تری برخوردار است و نیازمند گشاده‌نظری افزون‌تری است. سروده‌های غنایی و توصیفی غالباً چنان به نظر می‌رسند که پنداری پا را از مرزهای اخلاقی فراتر نهاده‌اند؛ اما این جولان‌های تعبیری و بیانی را نباید به منزلهٔ تقابل شعر و اخلاق تلقی کرد؛ زیرا شعر در بسیاری از موارد، اخلاق را وام‌دار خود کرده است و بسیاری از موازین و دیدگاه‌های اخلاقی که در آراء فلاسفه اخلاق سخت خشک به نظر می‌آمده است، در شعر لطافت و شفافیت یافته و جذابیت بیش‌تری به خود گرفته است؛ همین واقعیت‌ها سبب شده است تا منتقدان اخلاقی غالباً با نوعی اغماض به شعر بنگرند و بی‌تردید به علت همین نکته است که بسیاری از نظریه‌پردازان سیاسی نیز نگرش‌های اغماض‌گرایانه‌ای نسبت به شعر داشته‌اند و یا اندیشه‌مورانی نظیر "ژان پل سارتر" هنگامی که از ادبیات مسئول سخن می‌گویند، شعر را از ادبیات متعهد متمایز می‌کنند. (امامی، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

به علت این ناگزیری از آوردن تصاویر عاشقانه‌ای که گاه خلاف اخلاق و عرف جامعه است، همچنین به علت تفاوت‌های فرهنگی و اخلاقی جوامع نسبت به یکدیگر و سه دیگر به علت تفاوت سنی مخاطبان و میزان درک و آگاهی آن‌ها، مفهوم اخلاق را باید مفهومی نسبی دانست و به همین علل است که شمیسا معتقد است که اصولاً نقد اخلاقی نمی‌تواند در قالب نظریهٔ خاصی بیان شود.

### اخلاق از نظر حکمای ایرانی

فارابی، حکیم بزرگ اسلام در قرن ۳-۴ ه.ق، هدف اصلی از اخلاق را تحصیل سعادت می‌داند و همچون ارسطو و غزالی، عمل صالح را عملی می‌داند که در حد اعتدال باشد؛ اما دربارهٔ حد این اعتدال می‌گوید: "این کار به نظر در زمان آن عمل، و مکان آن، و شخصی که به انجام آن قیام می‌کند، و هدف او و وسایلی که به کار می‌گیرد، و به خود عمل مربوط است. یعنی در همهٔ این امور باید اعتدال رعایت شود."

از نظر ابن سینا، فیلسوف قرن ۴-۵ ه.ق: "هر کس خواهد که خود را اصلاح کند، باید که در اخلاق مردم تفحص کند و آن چه را نیکوست برگزیند و بدان اقتدا کند و آن چه را ناپسند است به دور افکند و از آن دوری گزیند."

شیخ، نیازمندترین مردم را به اصلاح، رؤسا می‌داند که به علت غفلت از خدا و تملق‌گویی مردم از عیوب خود ناآگاه و از صالحان فاصلهٔ بسیار دارند.



ابن رشد ، متفکر جهان اسلام در قرن ۶ ه.ق ، حکومت صدر اسلام را یک جمهوریت فاضله می شناخت و به معاویه بن ابی سفیان به خاطر آنکه حکومت اسلامی را متزلزل کرد و آن را به صورت حکومتی استبدادی درآورد و موجب هرج و مرج و آشوب و فتنه بزرگ گردید ، سخت می تاخت .

عدل اساس حکومت و ظلم آفت آن است . ولی عدل ثمره معرفت حقیقی است و ظلم ثمره جهل. در جمهوریت فاضله در نظر ابن رشد ، نیازی به قاضی و طبیب نیست ، زیرا در آنجا هیچ افراط و تفریط نخواهد بود و فضیلت خود همگان را به احترام حقوق و قیام به وظایف خود وادار می کند و چون چنین است باید برای وصول به این جمهوریت فاضله ، مردم با فضایل آشنا شوند و از مسایل این امر قوه فصاحت و شعر است . (تقی زاده، ۱۳۸۰: ۱۸۵)

### ادبیات، ابزار بیان مفاهیم اخلاقی

گرایش فطری انسان به نیکی‌ها و فضایل اخلاقی ، میلی است که محدود به زمان و مکان خاصی نیست . انسان در هر عصر و سرزمینی در جستجوی خیر و نیکی است و از هر آنچه مانع رستگاری ، نیکفرجامی و حیات سالمش باشد ، بیزاری و کنارگیری می‌جوید و خسته و به جان آمده از نابه‌نجاری‌ها پیوسته در پی آرمانشهری است به دور از خباثت‌ها و ردیلت‌ها اما وجود انواع شرور و آلام بشری را مانع نیل به مقصود می‌بیند . ادبیات از دیرباز به عنوان آینه‌ای تمام‌نما نقشی به سزا در آشکار کردن فسادها و آشوب‌های هر عصر داشته است و شاعران موسوم به شاعران متعهد از ابزار شعر برای افشای این بی‌رسمی‌ها و نشر و ترویج مفاهیم اخلاقی بهره برده‌اند . بررسی‌ها و پژوهش‌ها نشان داده است که تأثیرگذاری عنصر ادبیات به ویژه شعر بر مخاطب بسیار بیش‌تر از عناصر دیگری چون فلسفه و تاریخ است و این به علت ظرفیت‌های فراوان این حوزه و بهره‌مندی از ابزارهایی چون علم بیان ، معانی و بدیع است که با رسوخ در ذهن و جان مخاطب ، مفاهیم اخلاقی و تربیتی را به او القا می‌کند .

### غفلت از جنبه زیبایی شناختی و لذت آفرینی آثار ادبی

استفن گاسون (۱۶۲۴-۱۵۵۴) که فساد اخلاق و ضعف عقاید جامعه انگلیسی عصر خود را با چشم تأسف می‌دید و آن را بیش‌تر مولود تأثیر نمایش و نفوذ شاعران و دل‌قکان می‌دید به شدت شعر عصر خویش را محکوم کرد و در طی یک اثر خویش آن را مکتب فساد (school of abuse) خواند . در عین حال وی تأکید می‌کرد که البته مقصودش تحریم مطلق شعر و منع کلی موسیقی و هرگونه تفریح نیست بلکه می‌خواهد معایبی را که از افراط در کار شعر و شاعری حاصل می‌شود بنکوهد . وی در عین آن که مثل افلاطون و سقراط آنچه را واجد فواید اخلاقی باشد می‌ستود ، در باب شعر عصر خویش خاطر نشان می‌کرد که اکنون حاصل عمده آن‌ها چیزی جز فساد و تباهی نیست چرا که درین دوره - دوره وی - شعر روی به انحطاط دارد و شاعران آنچه را برای جلوه دادن عقاید حکمی و مواظ اخلاقی به کار بستند در تقریر و تبیین افکار باطل و اقوال ناروا صرف می‌کنند . البته این‌گونه تلقی اخلاقی از شعر ، در این ادوار نزد غالب کسانی که در مباحث مربوط به شعر و ادبیات وارد می‌شدند عادی بود . چنان که سر تامس ویلسون (۱۵۸۰-؟) در رسالهٔ راجع به "فن بلاغت" خویش یک جا ضمن بحث از شعر و شاعری خاطر نشان می‌کند که شعراء قدیم همواره خردمندان و مصلحان قوم بوده‌اند و از این رو داستان‌های خویش را هرگز بی آنکه در زیر حجاب ظاهر آن حکمتی پنهان کرده

باشند نمی‌گفته‌اند و بدین‌گونه پیداست که وی شعر را همچون وسیله‌ای برای تهذیب تلقی می‌کند. همچنین ویلیام وب (حدود ۱۵۸۰) هم در همین ایام طی رساله‌ای به نام "گفتار در باب شعر انگلیسی" در عین آنکه قایل به اهمیت جنبه‌ی خوشایندی در شعرست به جنبه‌ی آموزندگی آن نیز اهمیت می‌دهد و می‌گوید که شاعر در زیر پرده‌ی مجاز و کنایه همواره حقایق اخلاقی را مکتوم می‌دارد. نویسنده‌ی یک رساله‌ی معروف راجع به "فن شعر در زبان انگلیسی" هم که بنا بر مشهور جرج پنتهام (حدود ۱۵۸۰) نام دارد نیز عقیده دارد که شاعران اولین مربیان و نخستین فلاسفه‌ی جهان بوده‌اند و شعر نیز موهبتی الهی است و البته آن را نباید جهت مقاصد پست به کار بست بلکه می‌بایست آن را در بیان مکارم اخلاقی و نشر فضایل انسانی به کار برد. (زرین‌کوب، ۱۳۵۴: ۴۷۰-۴۷۱)

به نظر می‌رسد در میان این صاحب‌نظران ویلیام وب میان‌روترین آن‌هاست. گاسون، ویلسون و پنتهام تنها به اخلاق مدار بودن شعر و اثر ادبی معتقدند. حال آنکه اخلاق مداری صرف در شعر، آن را از شعریت خود دور می‌کند و مخاطب را از جذابیت‌ها و خوشایندی‌های یک اثر ادبی محروم می‌کند. دیگر اینکه ادبیات متعهد باید بازتاب مسائل زمان خود باشد، زشتی‌ها را آشکار کند و از رسوایی‌های اخلاقی پرده بردارد؛ در غیر این صورت واژه "متعهد" چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ اگر شعر انعکاس دردها و بی‌بندوباری‌های مردم روزگار نباشد و شاعر از زبان خود برای هشدار و آگاهی مخاطب بهره نبرد نقش ادبیات متعهد چیست؟

نکته‌ای که این دسته از نقادان از آن غافل مانده‌اند این است که یک اثر می‌تواند با بیان ردیلت‌ها و پستی‌ها، اعتراضی پنهان نسبت به نابسامانی‌های عصر داشته باشد. اعتراضی که به علت خفقان و عدم آزادی، امکان آشکار شدنش وجود ندارد. برای نکوهش و نم‌زدیلت‌ها و ستایش فضیلت‌ها نیازی به نکوهش و ستایش مستقیم این رفتارها نیست. بلکه شاعر با بیان و به تصویر کشیدن آن‌ها و قایل شدن درک و تیزهوشی برای مخاطب، با استفاده از امکانات و ظرفیت‌های فراوان زبان، به هدف غایی خود که تأثیر بر مخاطب و رشد و تعالی روحی اوست، دست می‌یابد.

در عصر ما هنوز ادیبانی هستند که همچون گاسون و هم‌فکرانش می‌اندیشند و اثری را ارزشمند می‌دانند که سراسر مدح و ستایش صفات نیک انسانی و تلاشی مستقیم برای تعلیم و تربیت مخاطب باشد.

در دوران معاصر بحث‌های کسروی درباب حافظ معروف است. کسروی هرچند فاضل بود اما به استناد نوشته‌هایش از ذوق ادبی بی‌بهره بود. اما کسی چون اقبال لاهوری که شاعر بزرگی بود نیز در دام نقد اخلاقی افتاده است. از میان قدما معروف‌ترین کسی که به نقد اخلاقی پرداخته است افلاطون است که شاعران را (جز شاعران اندرزگو) به سبب بدآموزی به مدینه فاضله خود راه نداده بود. در قرون وسطی کلیسا آرای افلاطون را بهانه کرده و می‌کوفت. جالب است که بعدها افلاطون خود مورد حمله اقبال لاهوری قرار گرفت که عقاید خرافی صوفیانه را رواج داده است (عقاید افلوپین و نوافلاطونیان را اشتباهاً به افلاطون نسبت می‌دادند) ... اقبال لاهوری حملاتی هم به حافظ کرده است و مانند کسروی افکار حافظ را گمراه‌کننده خوانده است. ... در کلیات اقبال مقاله‌ای تحت عنوان "در حقیقت شعر و اصلاح ادبیات اسلامی" آمده است که نویسنده در آن فقط ادبیات اخلاقی را ترویج می‌کند. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۰۷-۳۰۸)

آیا کسروی و لاهوری پنداشته‌اند که حافظ با ترسیم اوضاع نابسامان و تزویر و ریا و فساد حاکم بر روزگارش، قصد ترویج این بدعت‌ها را دارد؟ یا تصور کرده‌اند که مخاطب

حافظ ، قدرت تمیز نیک را از بد ندارد . در هر حال کسروی چنان به عقیده خود پای بند و متعصب بود که برای سوختن اثر گرانقدر خواجه شیراز مراسمی برپا کند .

البته همواره کسانی هم بوده‌اند (مخصوصاً در دوران معاصر) که گفته‌اند هنر تنها مقید به تعلیم و درس اخلاق دادن نیست بلکه حتی می‌تواند ضد اخلاقی هم باشد و اساساً در هنر موضوع حرف اول را نمی‌زند ... امیل زولا در کتاب رمان تجربی (The Experimental Novel) در ضمن بحث از رئالیسم می‌نویسد : " ... آیا می‌توانید شیمی‌دانی را تصور کنید که مثلاً با ازت دشمنی پیدا کرده باشد به خاطر اینکه مضر به سلامت است و به اکسیژن مثلاً تعلق خاطری ، چون مفید سلامت است ؟ به همین ترتیب یک رمان‌نویس هم نمی‌تواند وارد مقوله طرفداری از خوب و مبارزه با بد شود... " (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۱۰)

مسئله اینجاست که باید پیروان نظریه ادبیات متعهد سارتر را از پیروان نظریه هنر برای هنر تفکیک کرد . اما حتی در ادبیات غیر متعهد هم مخاطب متوجه مفاهیم اخلاقی است . نیازی نیست نویسنده یا شاعر به هواخواهی از نیکی‌ها و ستیزه با بدی‌ها برخیزد . آشکار کردن رذیلت‌ها و فضیلت‌ها برای درک و فهم مخاطب از این مفاهیم و تمیز میان آن‌ها کافی است .

پیش از این به ایرادات وارد بر نظریه اخلاق‌گرایان تندرو اشاره شد . یکی از ایرادات اساسی که بر این ناقدان وارد می‌شود غفلت از بعد هنری و زیبایی شناختی آثار ادبی است . پیروان این نظریه ، به خلق آثاری می‌پردازند که سراسر نصایح اخلاقی و مدح خیر و ذم شر و پلیدی است ، آن‌چنان که از تخیل و عاطفه که مشخصه‌های اصلی یک اثر ادبی است بازمی‌مانند و اثری می‌آفرینند که بی شباهت به دستورنامه اخلاقی نیست . امامی این شیوه را مختص ادیبان ناشی و غیر صاحب سبک می‌داند که هنوز از اهمیت ابزارهای ادبی و وجه تمایز ادبیات با سایر مقوله‌ها آگاه نیستند .

اخلاق‌یون و ادیبان اخلاق‌گرا همواره بر این باور بوده‌اند که ادبیات باید یکسره در خدمت اخلاق باشد و به عبارت دیگر از نظر آنان اخلاقی بودن ادبیات تنها معیار ارزش‌گذاری در آثار ادبی است ؛ اما این نظریه هرگز نمی‌تواند و نباید هم به معنای نادیده گرفتن سایر ارزش‌های ادبیات تلقی شود ، زیرا آثار و متون صرفاً به جهت برخورداری از مضامین اخلاقی ، جواز ورود به دنیای ادبیات را پیدا نمی‌کنند . از سوی دیگر این آثار اگر فضایل اخلاقی را یکدست و بدون هیچ‌گونه تصرف هنری و صرفاً به شکل تجویزی در خود گنجانده باشند ، دیگر ادبیات محسوب نمی‌شوند . معتبر داشتن پشتوانه اخلاقی در ادبیات ، بدون توجه به ارزش‌های ادبی و هنری ، هرگز تجربه موفقی در ادبیات به همراه نداشته است . نمونه بارز چنین امری ، نمایش‌نامه‌های اخلاقی رایج در اروپای غربی در قرون وسطی و اوایل رنسانس است . این نمایش‌نامه‌ها که غالباً در اشمال بر معارضه میان ثواب و گناه و فضیلت و رذیلت می‌بود ، به سبب بی‌اعتنایی به جنبه‌های ادبی ، غالباً سست و غیر مؤثر به نظر می‌رسید و شاید مؤید این نکته آن باشد که هیچ یک از این آثار ، منسوب به شاعر یا نویسنده‌ای صاحب‌نام نیستند . (امامی، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۹)

## اخلاق در ادبیات ایران

بیش از دو هزار سال است که کشور ما دارای آثار اخلاقی و فلسفی است . ادبیات ایران از جهت عبارت و معانی دلیل باهر یک تمدن عالی است که بزرگان و سخنگویان ایران

موضوعات لطیف فلسفی و اجتماعی و اخلاقی را از قدیمی ترین زمان در سبک بهترین سخنان فارسی بیان کرده اند ...

ادبیات ایران ، اعم از نثر و شعر ، جمله ها و داستان های حکمی و اخلاقی ، در زندگی عامه مؤثر واقع گردیده و در هدایت افکار تأثیر بسزا داشته است . اگر بعضی سخنوران گاهی از راه تفنن اشعاری مخالف اخلاق و عفت سروده اند ، آن گونه گفته ها نسبت به سخنان جدی خوب به مثابه هیچ است .

ادبیات ایران مجموعه ای است از اخلاق و افکار و آداب و احساسات و نصایح و پندهای شمار زیادی از باهوش ترین و باتقواترین افراد ایرانیان که از صدها سال پیش محفوظ مانده و آینه وار در برابر چشم ما که اخلاف آن ها هستیم قرار گرفته است ...

در مدت یک صد و پنجاه سال از نیمه قرن چهارم تا سال پانصد هجری چندین شاعر و عالم بلند مرتبه عالی مقام مانند فردوسی ، منوچهری ، فرخی ، ناصر خسرو ، ازرقی ، ابن سینا ، بیرونی ، عمر خیام ، و چندین عالم و فقیه و امام بی مانند همچون حجة الاسلام غزالی و چندین صوفی و عارف بزرگ مثل ابونصر سراج طوسی ، شیخ ابوسعید ابوالخیر ، باباطاهر عریان و علی بن عثمان هجویری و خواجه عبدالله انصاری ظهور کردند که هر یک از ایشان مایه سربلندی و مباحثات ماست ...

بعضی از قسمت های اوستا دارای مزیت ادبی است . جمله های فصیح شیرین در ستایش خدا و وصف طبیعت در آن دیده می شود . همچنین اوستا دارای مزایای لفظی است و گات ها که قدیم ترین قسمت اوستا می باشد ، سراسر سرود و مناجات و اشعار اخلاقی است و لطیف ترین احساسات دینی آن زمان را حکایت می کند ...

در دوره ساسانیان ، علوم فلسفی و اجتماعی از یونانی و سنسکریت نیز به زبان پهلوی نقل شده و به دانش و فرهنگ کشور افزوده شده است . کتاب های اخلاقی و اجتماعی به حدی بود که با وجود غلبه عرب و رواج زبان عربی و از بین رفتن تألیفات ایرانی ، باز شماری از آن کتاب ها به قرن اول اسلامی رسیده و از آنها در تألیفات عربی نام برده شده یا مطالبی نقل گشته یا ترجمه شده است مانند تألیفاتی به عنوان المحاسن و المساوی و الاضداد یا کتاب الآداب الکبیر و کتاب الادب الصغیر که از کتاب های اخلاقی پهلوی به عنوان "شایست و نا شایست" اقتباس و ترجمه شده است .

چون در اواخر دوره ساسانیان ، اخلاق و زندگی دو طبقه درباریان و روحانیون با وفور فتنه و فساد در دربار و ظهور مذاهب گوناگون در دین ، فاسد شده بود ، لذا ردایل اخلاقی بر فضایل اخلاقی فزونی داشت و با سقوط امپراطوری معظم ایران ، ظهور اسلام فراهم شد .

در این میان ، نفوذ ایران در عرب نیز نفوذ علمی و معنوی بود و در سیر و تواریخ و حکایات ، علوم و اخلاق و آداب از کتاب های ایرانی نیز به عربی نقل کردند .

از لحاظ موضوع های نزدیک به زندگی عملی نظیر علم اخلاق به طور کلی و اخلاق حکمرانان به طور خاص ، آثار سودمندی در فارسی به وجود آمده است .

سر آغاز تعالیم حکمت عملی کتاب مجهول المؤلفی است که به ادوار قبل از اسلام و به ادبیات پهلوی استناد دارد و به شکل جدید "جاویدان خرد" نامیده می شود . ابوعلی مسکویه پس از بدست آوردن ترجمه ناقص آن به عربی (به تحریر حسن بن سهل) ، سخنان و آداب دیگری